

ارزیابی اثر ساختار مالکیت شرکت های خانوادگی بر هزینه های حسابرسی تحت تاثیر ارتباطات سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران

محمد محمدی^۱، سید مهدی حسینی هرندی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد مبارکه، اصفهان.

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد مبارکه، اصفهان.

نام نویسنده مسئول:

محمد محمدی

چکیده

هدف: هدف اصلی این پژوهش ارزیابی اثر ساختار مالکیت شرکت های خانوادگی بر هزینه های حسابرسی تحت تاثیر ارتباطات سیاسی در بازار بورس اوراق بهادار تهران می باشد. از آن جایی که شرکت های خانوادگی با معضل نمایندگی از نوع اول و یا نوع دوم مواجه هستند و همچنین مطابق با استدلال مطرح در پژوهش های پیشین مبنی بر شدت بیشتر مشکل نمایندگی نوع دوم در اقتصادهای در حال توسعه به دلیل حمایت قانونی ضعیف از سهامداران اقلیت و ساختارهای مالکیت پیچیده، انتظار می رود تا حسابرسان تلاش حسابرسی خود را برای شرکت های مذکور افزایش داده و در نتیجه حق الزحمه بیشتری را نیز دریافت کنند.

روش شناسی: در این پژوهش، تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه میان شرکت های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی برای نمونه ای متشکل از ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران و طی قلمرو زمانی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار می گیرد. روش آماری مورد استفاده برای آزمون فرضیه های پژوهش نیز روش داده های تابلویی (پنل دیتا) می باشد.

یافته ها: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری فرضیه های پژوهش نشان می دهد که بر خلاف پژوهش های پیشین، میان شرکت های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه ی معناداری وجود ندارد. همچنین مالکیت نهادی و بیشتر بودن سهام اعضای خانوادگی در شرکت تاثیر معناداری بر رابطه مذکور ندارد. در نهایت، نتایج پژوهش حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی نیز هیچ گونه تاثیر معناداری بر رابطه میان شرکت های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی ندارند.

واژگان کلیدی: ارتباطات سیاسی، شرکت های خانوادگی، هزینه حسابرسی، بورس اوراق بهادار تهران.

مقدمه

قیمت گذاری خدمات حسابرسی، یکی از موضوعات مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران حسابرسی است. اگر چه روش پژوهش مورد استفاده در این مطالعات تا حدودی با یکدیگر متفاوت است، اما اکثر آن ها یک هدف عمده را دنبال می کنند و آن تشخیص عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی است. آگاهی از این عوامل هم برای صاحبکار و هم برای حسابرس مفید است. برای بسیاری از صاحبکاران، هزینه حسابرسی رقمی درخور توجه است. اگرچه ممکن است در شرکت های بزرگ با حجم فروش و نقدینگی بالا یا برخی شرکت های دولتی، توانایی پرداخت این هزینه به راحتی میسر باشد، ولی اکثر شرکت های تجاری کوچک و یا آنهایی که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند، رقم هزینه می تواند بسیار با اهمیت و سنگین باشد؛ هزینه ای که ناگزیر به پرداخت آن هستند. در نتیجه از منظر صاحبکار، با شناخت عوامل موثر بر میزان حق الزحمه حسابرسی، هم با مذاکره و چانه زنی بر سر آنها و هم با کنترل این عوامل در داخل سازمان می توان موجبات کاهش چنین هزینه ای را فراهم آورد و تحمل آن را آسانتر نمود. حسابرسان نیز با دانستن این عوامل می توانند خدمات خود را به شکل مناسبی قیمت گذاری کنند (گیست، ۱۹۹۲). اهمیت این موضوع، به خصوص در سال های اخیر و پس از تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران در کشور ما بیشتر دیده می شود. زیرا پس از تشکیل جامعه، انحصار بازار کار حسابرسی شکسته شده و رقابت شدیدی بین حسابرسان شکل گرفته است؛ رویدادی که مدت ها قبل در اغلب کشورهای پیشرفته اتفاق افتاده است. از اوایل سال های دهه ۷۰ میلادی تا اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، تمرکز اکثر موسسات حسابرسی بر رشد خود بوده است تا بر ارزش های حرفه ای (زف، ۲۰۰۳). ساختار مالکیت به معنی روش توزیع سهام و حقوق مالکیت از جهت رأی و سرمایه، از عوامل اصلی و بسیار مهم حاکمیت شرکتی است و از مهم ترین مباحث ساختار مالکیت، مسئله نمایندگی است. ساختار مالکیت مطلوب می تواند باعث کاهش هزینه های نمایندگی در گزارشگری مالی شده و به نوبه خود بر حجم کار حسابرسی و ریسک آن و در نهایت، حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار باشد (میترا و همکاران، ۲۰۰۷). ساختار مالکیت شرکت ها می تواند بسیار متنوع باشد و طیف وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی می توانند در این ساختار، ایفای نقش کنند. حضور سهامداران حقیقی از یک خانواده، با در اختیار داشتن درصد بالای سهام و یا حضور آن ها در هیئت مدیره به نوعی خانوادگی بودن مالکیت شرکت را نشان می دهد (اندرسون و رب، ۲۰۰۳). در شرکت های خانوادگی ممکن است به دلیل ساختار مالکیت خاص این شرکت ها، حفظ منافع خانواده بر حفظ منافع سهامداران جزء ارجحیت یابد. در نتیجه به دلیل این که سهامداران جزء کمتر به اطلاعات مهم و اساسی شرکت دسترسی دارند، همواره این خطر احساس می شود که منافع این گروه به خصوص در بلندمدت، در معرض خطر قرار گیرد (عبدالحمیدی و کوال، ۲۰۱۰). در شرکت های خانوادگی، معمولاً اعضای خانواده نه تنها مالک شرکت، بلکه مدیر نیز هستند. وجود مالکیت خانوادگی ریسک تضاد منافع را افزایش می دهد (بن علی و لسیچ، ۲۰۱۲). بنابراین این نگرانی وجود دارد که اعضای خانواده عضو هیئت مدیره برای حداکثر سازی سود خود، برخلاف منافع سهامداران دیگر عمل کنند (جنسن و مک لینگ، ۱۹۷۶). این تضاد منافع باعث افزایش هزینه های نظارت از جمله حق الزحمه حسابرسی خواهد شد. از طرف دیگر به دلیل سهامدار بودن اعضای خانواده در شرکت و نقش مدیریتی آن ها، همسویی منافع مدیران و سهامداران وجود خواهد داشت که باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیران و مالکان می شود که در نتیجه منجر به افزایش کیفیت سود، کاهش اقلام تعهدی غیرعادی، افزایش ارزش شرکت و به دنبال آن، کاهش ریسک و حق الزحمه حسابرسی خواهد شد (بن علی و لسیچ، ۲۰۱۲).

قیمت گذاری خدمات حسابرسی، از موضوع های مورد علاقه بسیاری از محققان حوزه حسابرسی است. برای بسیاری از صاحب کاران، هزینه حسابرسی رقمی درخور توجه است؛ اگرچه ممکن است در شرکت های بزرگ با حجم فروش و نقدینگی بالا و یا برخی شرکت های دولتی، توانایی پرداخت این هزینه به راحتی میسر باشد، ولی برای اکثر شرکت های تجاری کوچک یا آن هایی که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند، این رقم هزینه می تواند بسیار با اهمیت و سنگین باشد؛ هزینه ای که در بیشتر مواقع ناگزیرند آن را پرداخت کنند؛ بنابراین، از منظر صاحب کار، با شناخت عوامل موثر بر میزان حق الزحمه حسابرسی و با کنترل این عوامل در داخل سازمان، می توان موجبات کاهش چنین هزینه ای را فراهم آورد. حسابرسان نیز با دانستن این عوامل می توانند خدمات خود را به شکل مناسبی قیمت گذاری کنند. از سوی دیگر، شاخص ارتباطات سیاسی متغیری می باشد که با استفاده از ارتباطات سیاسی اندازه گیری می شود. این نسبت با توجه به متغیرهایی که در مطالعات اخیر مورد استفاده قرار گرفته اند برتری هایی دارد چراکه براساس اینکه آیا شرکت های دولتی و یا غیر دولتی از این امر پیروی می کنند اندازه گیری می شود در ادبیات موجود مستند شده است که ارتباط سیاسی از طریق دسترسی آسان به، منابع خارجی و قراردادهای مبتنی بر روابط، منابع ارزشمندی برای شرکت فراهم می کند و بر تصمیم های سرمایه گذاری اثر می گذارد ارتباطات سیاسی در، تخصیص وام های بانکی شرکت ها نقش بسزایی دارد، براساس شواهد بدست آمده شرکت های دولتی ارتباطات سیاسی را ترجیح می دهند (هوستن و همکاران، ۲۰۱۴).

در خصوص مالکان خانوادگی و ارتباط آن با حق الزحمه حسابرسی، دو نوع فرضیه رقیب مطرح است. بر اساس فرضیه نظارت فعال این دسته از مالکان به کیفیت اطلاعات اهمیت داده و با توجه به ویژگی های ذاتی و نفوذ خاص بر مدیریت، آن ها را به استفاده از خدمات حسابرسی با کیفیت ترغیب می نماید که در نهایت منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می شوند. در مقابل، فرضیه منافع شخصی قرار دارد. در این فرضیه بیان می شود که به دلیل نظارت فعال، کمتر احتمال دارند مالکان خانوادگی متقاضی خدمات حسابرسی با کیفیت تر باشند. لذا حاضر به پرداخت حق الزحمه حسابرسی کمتر برای انتخاب حسابرسان با کیفیت بالاتر هست (میترا و همکاران، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر، در فرضیه منافع شخصی به دلیل نظارت فعال مالکان خانوادگی بر عملیات شرکت، هزینه های نمایندگی و ریسک کنترل در گزارشگری مالی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی کاهش می یابد. سهامداران کنترل کننده امور در راستای پایین نگاه داشتن سطح نظارت ها و پنهان ساختن دست اندازهای خویش شاید ترجیح دهند که گزارش های مالی توسط حسابرسان دارای کیفیت کاری پایین تر مورد حسابرسی قرار گیرد. از سوی دیگر، سهامدار کنترل کننده امور شاید از سازو کارهای نظارتی بیرونی بهره گرفته و بدین ترتیب توانایی خویش در زمینه اختلاس منابع را کاهش دهد. وی شاید معتقد باشد که شرکت باید در ارتباط با فرآیند حاکمیت جمعی و گزارش دهی مالی خویش به سهامداران اقلیت و سرمایه گذاران احتمالی اطمینان خاطر دهد تا آن ها بدین ترتیب اطمینان حاصل کنند که از منافع آن ها به خوبی مراقبت می شود (رید و همکاران، ۲۰۰۴). انگیزه ایجاد ارتباطات سیاسی در این مطالعه جدید است این دیدگاه با مطالعات تجربی اثبات می شود که نشان می دهد ارتباطات سیاسی با حق الزحمه حسابرسی بالاتر و ارزش گذاری سهام پایین تر مرتبط هستند (جانسون و میتون، ۲۰۰۳). علاوه بر این، عوامل نهادی مختلف ممکن است بر رفتار سازمانی و مدیریتی اثرگذار باشند، در نتیجه درآمدهای متفاوتی را برای شرکت ها در اقتصادهای توسعه یافته و نوظهور تولید می کند. با این وجود، تاکنون شواهد تجربی در خصوص تعدیل ارتباطات سیاسی و مالکیت خانوادگی بر حق الزحمه حسابرسی مشاهده نشده است. بنابراین، بررسی ارتباط بین شرکت های خانوادگی دارای ارتباطات سیاسی و حق الزحمه های حسابرسی ممکن است نتایج متفاوتی را در مقابل مواردی که در مطالعات اخیر گزارش شده اند، نشان دهد. بنابراین، می توان با ارائه رهنمودهای متکی بر نتایج پژوهش به این اهداف دست یافت و بدین گونه باعث کمک به استفاده کنندگان صورت های مالی جهت تصمیم گیری های مالی شد. در ادامه مقاله مبانی نظری و پیشینه ی پژوهش های مرتبط با موضوع و هم چنین روش پژوهش و فرضیه های برگرفته از مسأله و مبانی نظری پژوهش بیان می شود. در نهایت نتایج آزمون فرضیه ها مطرح و در پایان با توجه به نتایج آزمون فرضیه ها و هم چنین مبانی نظری و پیشینه ی مطرح شده، نتیجه گیری صورت می گیرد و با ذکر پیشنهادها به پایان می رسد.

مبانی نظری پژوهش

نظریه اقتصاد سیاسی از نیمه دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبراسم وارد متون اقتصادی جهان شد این نظریه نه تنها مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران واقع شده است بلکه جامعه شناسان نیز آثاری در بسط و توضیح این نظریه ارائه داده اند. بر اساس این نظریه اقتصاد و سیاست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند این به این معناست که فعالیت و تصمیم گیری های سیاسی تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. این به این معناست که فعالیت و تصمیم گیری های سیاسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت های اقتصادی و برعکس دارند (مهدی فرد و رویایی، ۱۳۹۴). به اعتقاد فیسمن (۲۰۰۱) روابط سیاسی در مقایسه با پایه های اقتصادی شرکت، عامل اصلی سودآوری شرکت در کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه است، او معتقد است که عایدات شرکت های دارای روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی به سود گزارش شده ندارد، زیرا روابط سیاسی منجر به دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانک های تحت تملک دولت می گردد (بوباگری و همکاران، ۲۰۱۲). نشانه های مدیریت سیاسی شرکت هایی عبارتند از وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهاد های سیاسی، یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه دولتی. این متغیر با بررسی دقیق یادداشت های همراه صورت های مالی و گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی از طریق شناسایی مدیرعامل، اعضای هیئت مدیره، سهامداران عمده، اشخاص وابسته و اشخاص در تعامل با شرکت های نمونه به انحصار گوناگون صورت پذیرفت (لی و وانگ، ۲۰۱۶). یکی دیگر از معیارهایی که در تحقیقات اخیر برای اندازه گیری ارتباط سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است، معیار بدهی بلندمدت می باشد. مطالعات متعدد مانند فان و همکاران (۲۰۰۸) و فان و وانگ (۲۰۰۵) نشان داده است که ارتباطات سیاسی بیشتر شرکت ها باعث می شود تا فرصت دسترسی شرکت ها به منابع بلندمدت و کم هزینه تر فراهم شود و در نتیجه در شرکت های با ارتباطات سیاسی بالاتر، نسبت بدهی های بلندمدت بیشتر گردد (لین و همکاران، ۲۰۱۵).

شرکت های خانوادگی را می توان از جنبه های گوناگون تعریف کرد. عضویت اعضای خانواده در هیئت مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت، از عواملی هستند که شرکت های خانوادگی به کمکان ها تعریف می شوند (نمازی و محمدی، ۱۳۸۹). در شرکت های خانوادگی، معمولاً اعضای خانواده نه تنها مالک شرکت، بلکه مدیر نیز هستند. وجود

مالکیت خانوادگی ریسک تضاد منافع را افزایش می‌دهد. بنابراین این نگرانی وجود دارد که اعضای خانواده عضو هیئت مدیره برای حداکثر سازی سود خود، برخلاف منافع سهامداران دیگر عمل کنند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). این تضاد منافع باعث افزایش هزینه نظارتی (حق الزحمه حسابرسی) خواهد شد، اما عده‌ای دیگر بر این باورند که به دلیل سهامدارا بودن اعضای خانواده در شرکت و نقش مدیریتی آن‌ها، همسویی منافع مدیران و سهامداران وجود خواهد داشت که باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیران و مالکان می‌شود. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که وجود مالکیت خانوادگی، باعث افزایش کیفیت سود، کاهش اقلام تعهدی غیرعادی، افزایش ارزش شرکت و به دنبال آن، کاهش ریسک و حق الزحمه حسابرسی خواهد شد. بنابراین باتوجه به دو دیدگاه گفته شده، انتظار می‌رود که بین حق الزحمه حسابرسی و مالکیت خانوادگی ارتباط معناداری وجود داشته باشد.

منشأ اصلی تفاوت در حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی، تفاوت هزینه‌های نمایندگی در این شرکت‌ها می‌باشد که به دلیل وجود سهامداران خانوادگی است. بر اساس تئوری نمایندگی، شرکت‌های خانوادگی برای حداکثر کردن منافع شخصی انگیزه دارند و همچنین تمایل دارند در فرآیند گزارشگری مالی تأثیرگذار باشند، نتیجه این انگیزه به احتمال زیاد منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود (لیو و سویرامانیام، ۲۰۱۰). وجود تضاد منافع باعث افزایش هزینه‌های نظارت از جمله هزینه‌های حسابرسی می‌شود. برای انجام خدمات حسابرسی باید مبلغی به عنوان حق الزحمه به مؤسسه حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرس با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک کار حسابرسی تعیین می‌گردد. افزایش هزینه‌های نمایندگی مستلزم ارزیابی ریسک و تلاش‌های حسابرسی بالا و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی بالاتر می‌شود. در مقابل، همسویی منافع میان مالکان خانوادگی و سهامداران موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. به عبارتی مالکیت خانوادگی می‌تواند به بهبود نظارت داخلی و کاهش تضاد منافع بین مدیر و مالک کمک کند و بنابراین منجر به ارزیابی ریسک کمتر حسابرسی و در نتیجه کاهش حق الزحمه حسابرسی شود (لیو و سویرامانیام، ۲۰۱۰).

تدوین فرضیه ها و پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های به عمل آمده، پژوهش‌های پیشین، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، عوامل متعددی را در رابطه با نقش ارتباطات سیاسی و رابطه آن با حرفه حسابرسی مورد بررسی قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به معاملات با اشخاص ثالث، انتخاب حسابرس، سهامداران نهادی، کیفیت حسابرسی، عملکرد شرکت، پاداش مدیران و تعارض‌های نمایندگی اشاره کرد. مالول و همکاران (۲۰۱۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت‌های تونسی را بررسی کردند. بر اساس نتایج به دست آمده، ارتباطات سیاسی موجب بهبود عملکرد و ارزش شرکت می‌شود. در واقع سرمایه‌گذاران به دلیل کسب منافع بیشتر، به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی با ارتباطات سیاسی بالا تمایل نشان می‌دهند. پژوهش تی (۲۰۱۸) با کسب انگیزه از این واقعیت که شرکت‌های خانوادگی بیش از ۸۵ درصد از کل شرکت‌های جهان را تشکیل می‌دهند (گوش و تانگ، ۲۰۱۵) و نیز یافته پژوهش‌های اخیر در کشورهای امریکا و بنگلادش، به آزمون رابطه میان شرکت‌های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی در کشور در حال توسعه مالزی می‌پردازد. وی بر خلاف پژوهش‌های پیشین در کشورهای امریکا و بنگلادش (هو و کانگ، ۲۰۱۳؛ خان و همکاران، ۲۰۱۵؛ گوش و تانگ، ۲۰۱۵) به این نتیجه می‌رسد که میان شرکت‌های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنادار مثبتی برقرار می‌باشد که حاکی از وجود مشکلات نمایندگی نوع دوم در اقتصادهای در حال توسعه می‌باشد. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که رابطه مثبت مذکور در مورد شرکت‌های خانوادگی که قدیمی‌تر بوده و درصد سهامداران کنترلی خانوادگی آن‌ها بالاتر است، قوی‌تر می‌باشد. در نهایت، پژوهش مذکور استدلال می‌کند که بنا به وجود مشکلات نمایندگی نوع دوم در کشور مالزی، شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند و مدت این ارتباطات نیز در آن‌ها طولانی‌تر است، حق الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند.

برخی از مطالعات پیشین به بررسی نقش معاملات با اشخاص وابسته یا ثالث در شرکت‌های سیاسی نیز پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، حبیب و همکاران (۲۰۱۷) تأثیر معاملات با اشخاص ثالث را بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و انتخاب حسابرس آزمون کرده‌اند. انگیزه محققان مذکور برای انجام این پژوهش، دیدگاه‌های متناقض مطرح در مورد انتصاب حسابرسان برجسته در شرکت‌های سیاسی است. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های سیاسی در کشور اندونزی تمایل کمتری به انتخاب حسابرسان برجسته و مشهور دارند. استدلال آن‌ها از این یافته این است که از آن جایی شرکت‌های سیاسی در فعالیتهای زیرزمینی و پنهان برای ایجاد و حفظ ارتباطات سیاسی خود دخالت دارند و در تلاش هستند تا با دست‌کاری اعداد و ارقام مالی عملکرد اقتصادی حقیقی خود را پنهان کنند، حسابرسان کمتر شناخته شده را به حسابرسان برجسته ترجیح می‌دهند. علاوه بر این، پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که تمایل شرکت‌های سیاسی برای انتخاب حسابرسان کمتر شناخته شده در زمانی که شرکت‌های مذکور دارای معاملات با اشخاص وابسته هستند، آشکارتر است.

پیشینه پژوهش

چیو مینگ (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین شرکت های خانوادگی دارای ارتباط سیاسی بر حق الزحمه های حسابرسی پرداخت. نتایج نشان داد که شرکت های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین که شرکت های خانوادگی و ارتباطات سیاسی می تواند هزینه حسابرسی را کاهش دهد.

درآمدی (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تمرکز مالکیت و کنترل خانوادگی با انتخاب حسابرس پرداخت. نتایج نشان داد که شرکت ها با تمرکز مالکیت بالا به احتمال بیشتری مؤسسه حسابرسی باکیفیت بالاتر را انتخاب می کنند. همچنین نتایج نشان داد زمانی که کنترل سهامداران خانوادگی باشد، رابطه بین تمرکز مالکیت و تقاضا برای مؤسسه های حسابرسی باکیفیت بالا منفی است.

خان و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی، انتخاب حسابرس و نفوذ افراد ذینفع پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شرکت های خانوادگی موردنظر و نمونه پژوهشی آن ها در مقایسه با شرکت های غیر خانوادگی به طور چشمگیری حق الزحمه های حسابرسی کمتری پرداخت نموده و از حسابرس های باکیفیت پایین تر بهره می گیرند. همچنین در شرکت هایی با رویکرد صادراتی، شرکت های خانوادگی دستمزد حسابرسی بیشتری پرداخت می کنند و از حسابرس های باکیفیت تری در مقایسه با شرکت های غیر خانوادگی بهره می گیرند.

چیراز و همکاران (۲۰۱۳) با پژوهشی در مورد حق الزحمه حسابرسی و ساختار مالکیت سهامداران در بین شرکت های فرانسوی نشان دادند که بین سهامداران دولتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی معنادار و بین سهامداران نهادی و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در پژوهشی دیگر در کشور بنگلادش تاثیر ساختار مالکیت شرکت بر حق الزحمه حسابرسی بررسی و نتایج آنان نشان داد که بین مالکیت سهام توسط مدیران اجرایی، سرمایه گذاران نهادی و سهامداران عمومی با حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

بوبری و همکاران (۲۰۱۲)، به بررسی تاثیر روابط سیاسی بر روی عملکرد شرکت و تصمیمات تامین مالی پرداختند. آنها یافتند که اول شرکت ها بعد از برقراری روابط سیاسی عملکرد خود را بهبود بخشیده و بدهی خود را افزایش می دهند. دوم روابط سیاسی همبستگی قوی با تغییر در اهرم و عملکرد عملیاتی دارد. سوم شرکتهای دارای روابط سیاسی به منابع اعتباری دسترسی آسانتری دارند.

آستمانا و بوون (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداختند. این پژوهش در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ در ایالات متحده انجام شده است. نتایج پژوهش آن ها نشان داد هنگامی که حق الزحمه غیرعادی منفی حسابرسی افزایش می یابد، کیفیت حسابرسی کاهش می یابد. همچنین نتایج نشان داد تصویب قانون ساربینز-اکسلی موجب تقویت حسابرسی شده است.

کانگ (۲۰۱۲) در کار پژوهشی خود نشان داد که چگونه و چطور ساختار مالکیت شرکت های خانوادگی و مسائل نمایندگی، بر انتخاب حسابرسان متخصص صنعت و سطح حق الزحمه حسابرسی اثر می گذارد. نتایج نشان داد که شرکت های خانوادگی به احتمال بیشتری حسابرسان متخصص را انتخاب می کنند و متحمل سطح پایین تری از هزینه حسابرسی نسبت به شرکت های غیر خانوادگی می شوند.

جول و خان (۲۰۱۱) حق الزحمه حسابرسی را در ۵۰۰ شرکت استرالیایی بررسی کردند. نمونه آن ها شامل شرکت هایی با کنترل خانوادگی و خارجی بود. آن ها به این نتیجه دست یافتند که شرکت های خانوادگی حق الزحمه حسابرسی پایین تری نسبت به شرکت های غیر خانوادگی می پردازند. همچنین نتایج آن ها آشکار کرد که هر دوی شرکت ها با مالکیت خانوادگی و خارجی، حق الزحمه حسابرسی بالاتری به مؤسسات بزرگ حسابرسی می پردازند. نيسكانن و همكاران (۲۰۱۰) در پژوهشی یافتند که افزایش در مالکیت خانوادگی احتمال استفاده از حسابرسان باکیفیت را کاهش می دهد. آن ها نتایج خود را این گونه استدلال می کنند که عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران در شرکت های خانوادگی کمتر است.

میترا و همکاران (۲۰۰۷) رابطه بین ویژگی های مالکیت و حق الزحمه حسابرسی را بررسی کردند. بر اساس نظریه تقاضا آن ها یافتند وقتی که منافع مالکیت بالا است، مدیران خدمات حسابرسی باکیفیت بهتری برای علامت دادن به بازار استفاده می کنند. همچنین رابطه مثبت بین مالکیت نهادی سهام منتشر شده (داشتن کمتر ۵ درصد سهام فردی) و حق الزحمه حسابرسی و رابطه منفی بین مالکیت نهادی عمده (داشتن ۵ درصد یا بیشتر سهام فردی) و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. به علاوه نشان دادند که بین مالکیت سهام مدیریتی با حق الزحمه حسابرسی، رابطه منفی وجود دارد.

زارع پور و فرهادی اندرابی (۱۳۹۷) نیز به بررسی رابطه میان ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل برای نمونه ای متشکل از ۱۱۹ شرکت فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ پرداخته اند. نتایج آن ها نشان می دهد که ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل تاثیر معنادار معکوس دارد. به عبارت دیگر، شرکت های سیاسی در ایران حق الزحمه حسابرسی کمتری را پرداخت می کنند.

پژوهش تامرادی و همکاران (۱۳۹۷) نیز به شیوه‌ای مشابه به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه میان انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری برای نمونه‌ای متشکل از ۱۵۰ شرکت فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ پرداخته و نشان می‌دهد که انتخاب حسابرس بر شفافیت اطلاعات حسابداری تاثیر مثبت دارد و این رابطه توسط ارتباطات سیاسی با شاخص پرداختی به دولت به صورت منفی و توسط ارتباطات سیاسی با شاخص مالکیت دولت به گونه‌ای مثبت تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷) رابطه میان سود نقدی سهام و ارتباطات سیاسی در پژوهش خود مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن حاکی از آن است که میان بازده سهام و ارتباطات سیاسی رابطه مثبت معناداری برقرار می‌باشد. به عبارت دیگر، افزایش ارتباطات سیاسی می‌تواند بازده سهام شرکت‌ها را افزایش دهد و باید به عنوان یکی از عوامل مهم در زمینه سود نقدی و بازده‌های سهام در نظر گرفته شود. در حقیقت، شرکت‌های سیاسی نسبت به سایر شرکت‌ها در ایران، سود نقدی بیشتری را میان سهامداران توزیع می‌کنند.

بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ پرداختند و نمونه‌ای آنها متشکل از ۱۱۰ شرکت بود نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد تأثیر مثبتی داشته و بر عملکرد شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

پژوهش رحمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه‌ای متشکل از ۱۰۵ شرکت فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ پرداختند نتایج حاکی از آن است که نگهداشت وجه نقد و ارتباطات سیاسی با شاخص فعالیت‌های لابی و درصد مالکیت دولتی رابطه معنادار منفی داشته و میزان وجه نقد نگهداری شده با افزایش هزینه‌های سیاسی کاهش پیدا می‌کند.

خدادای و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و حق الزحمه حسابرسی دریافتند که بین مالکیت دولتی و مالکیت خانوادگی با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نگردید.

علوی طبری و همکاران (۱۳۹۰)، رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها را بررسی کرده‌اند، نتایج آنان نشان داد که نوع حسابرس و درصد مالکیت نهادی دولتی و شبه دولتی با حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که هرچه درصد سهام در اختیار نهاد دولتی و شبه دولتی بیش تر باشد، حق الزحمه حسابرسی بیش تر می‌شود.

نمازی و محمدی در پژوهش خود در سال (۱۳۸۹) کیفیت سود و بازده را در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نمونه‌ای آنها شامل ۳۹ شرکت خانوادگی و ۷۶ شرکت غیرخانوادگی بود. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که بین کیفیت سود مبتنی بر نسبت وجه نقد عملیاتی با سود خالص و همچنین نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار وجه نقد عملیاتی در شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های غیرخانوادگی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش که در بخش‌های قبل توصیف شد، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌شوند:

فرضیه (۱) با فرض ثبات سایر شرایط، میان شرکت‌های خانوادگی بر حق الزحمه حسابرسی اثر معناداری دارد.

فرضیه (۲) با فرض ثبات سایر شرایط، اثر معنادار میان شرکت‌های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی با وجود سهامداران نهادی تشدید می‌شود.

فرضیه (۳) با فرض ثبات سایر شرایط، اثر معنادار میان شرکت‌های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی با وجود ارتباطات سیاسی تشدید می‌شود.

فرضیه (۴) با فرض ثبات سایر شرایط، اثر معنادار میان شرکت‌های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی با وجود سهامداران عمده تشدید می‌شود.

روش انجام پژوهش

روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات

گردآوری اطلاعات به روش آرشویی صورت گرفته است. بدین ترتیب که در بخش اول، مطالعات انجام گرفته در زمینه موضوع پژوهش از کتب، مقالات معتبر، پایان نامه‌های دانشجویی و سایت‌های اینترنتی معتبر گردآوری و مورد مطالعه قرار گرفت. در بخش دوم نیز برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جهت انجام پژوهش از تارنمای سازمان بورس اوراق بهادار تهران، tse.ir، rdis.codal، بانک‌های اطلاعاتی نظیر نرم افزار ره‌آورد نوین، مایکروسافت اکسل و دیگر سایتهای معتبر استفاده شد.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می دهند. برای تعیین نمونه مورد مطالعه، شرایط زیر جهت انتخاب شرکت ها در نظر گرفته می شود:

۱. شرکت های مذکور که پایان سال مالی آن ها ۱۲/۲۹ باشند.
۲. یادداشت های همراه صورت های مالی در طی تمامی سال های قلمروی زمانی پژوهش در دسترس باشد.
۳. شرکت مورد نظر، هزینه حق الزحمه حسابرسی را در یادداشت های پیوست صورت های مالی خود و در قسمت هزینه های عمومی و اداری در طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ افشا کرده باشد؛
۴. جزء شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ، بانک ها، واسطه گری و لیزینگ نباشند.

با توجه به اینکه از منظر کمی و تعدادی، امکان تحقیق (با توجه به روش پژوهش) بر روی تمامی شرکت ها میسر بود، ولی از منظر کیفی، برخی از آنها دارای مشکلات و نواقص اطلاعاتی بودند. در نتیجه، تعداد شرکت هایی که در هر دو بُعد حائز شرایط شدند، به ۹۰ شرکت تقلیل یافت. بدین ترتیب، جامعه آماری تحقیق در نهایت ۹۰ شرکت است.

طریقه انتخاب نمونه به روش غربالگری جامعه ی آماری

تعداد شرکت	شرح
۵۷۰	کل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
(۱۲۸)	شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ، بانک ها، واسطه گری و لیزینگ
(۸۷)	شرکت هایی که برخی اطلاعات مورد نیاز آن ها جهت انجام این پژوهش در برخی سال های مورد مطالعه در دسترس نبود.
(۱۸۳)	حذف شرکت هایی که پایان سال مالی آن ها ۱۲/۲۹ نیست.
(۸۲)	یادداشت های همراه صورت های مالی شرکت هایی در طی تمامی سال های قلمروی زمانی پژوهش در دسترس نیست.
۹۰	شرکت هایی که بعد از اعمال محدودیت به عنوان نمونه به صورت سامانمند انتخاب شده اند.

روش انجام پژوهش و الگوهای پژوهش

در این پژوهش از داده های تلفیقی و مدل رگرسیون داده های ترکیبی استفاده شده است. همچنین برای بررسی معنادار بودن الگوی پژوهش از آزمون های آماری T و F استفاده شده است. پس از گردآوری داده ها و تعیین مدل، ابتدا داده ها را به صورت داده های تابلویی قرار داده و سپس از آزمون F لیمر برای تعیین داده های تلفیقی یا مدل آثار ثابت استفاده شده است. بدین صورت، اگر احتمال این آزمون کمتر از ۵ درصد باشد، مدل آثار ثابت خواهد بود. همچنین از آزمون هاسمن برای تعیین مدل آثار ثابت (Fixed) یا آثار تصادفی (Random) استفاده شده است؛ یعنی اگر احتمال آزمون هاسمن کوچکتر از ۵ درصد باشد، مدل باید با استفاده از آثار ثابت برآورد گردد و در نهایت به بررسی فرضیه مورد نظر پرداخته می شود. پس از برآزش مدل توسط نرم افزار آماری R برای بررسی خود همبستگی سریالی میان اجزای اخلاص (خطاهای مدل) از آزمون بروش-گادفری استفاده می شود. متغیر وابسته مورد استفاده در این پژوهش، حق الزحمه حسابرسی یا بهای خدمات حسابرسی می باشد. با پیروی از پژوهش های پیشین انجام شده در این حوزه، حق الزحمه حسابرسی را به صورت لگاریتم طبیعی حق الزحمه افشا شده در بخش هزینه های اداری و عمومی یادداشت های پیوست صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اندازه گیری می نماییم تا بتوانیم با سایر متغیرهای الگوی پژوهش تطابق خطی بهتری ایجاد نماییم (سایمونیک، ۱۹۸۰). برای آزمون فرضیه های این پژوهش از الگوی های ذیل استفاده شده است:

$$AF_{i,t} = \alpha + \beta_1 FAMILY_{i,t} + \beta_3 CONTROL_{i,t} + \beta_4 PCF_{i,t} + \beta_5 INSTITUTE + \beta_6 TA_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 OPI_{i,t} + \beta_{10} LOSS_{i,t} + \beta_{11} AUD_{i,t} + \beta_{12} IND_{i,t} + e_{i,t} \quad (1)$$

$$AF_{i,t} = \alpha + \beta_1 FAMILY_{i,t} + \beta_3 CONTROL_{i,t} + \beta_4 PCF_{i,t} + \beta_5 INSTITUTE + \beta_6 FAMILY * INSTITUTE + \beta_7 TA_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \beta_{10} OPI_{i,t} + \beta_{11} LOSS_{i,t} + \beta_{12} AUD_{i,t} + \beta_{13} IND_{i,t} + e_{i,t} \quad (2)$$

$$AF_{i,t} = \alpha + \beta_1 FAMIL Y_{i,t} + \beta_3 CONTROL_{i,t} + \beta_4 PCF_{i,t} + \beta_5 INSTIT + \beta_6 FAMIL Y * PCF + \beta_7 TA_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \beta_{10} OPI_{i,t} + \beta_{11} LOSS_{i,t} + \beta_{12} AUD_{i,t} + \beta_{13} IND_{i,t} + e_{i,t} \quad (3)$$

$$AF_{i,t} = \alpha + \beta_1 FAMIL Y_{i,t} + \beta_3 CONTROL_{i,t} + \beta_4 PCF_{i,t} + \beta_5 INSTIT + \beta_6 FAMIL Y * CONTROL + \beta_7 TA_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \beta_{10} OPI_{i,t} + \beta_{11} LOSS_{i,t} + \beta_{12} AUD_{i,t} + \beta_{13} IND_{i,t} + e_{i,t} \quad (4)$$

داریم:

متغیر وابسته:

AF	=	حق الزحمه حسابرسی	=	لگاریتم طبیعی حق الزحمه پرداختی به موسسه حسابرسی
Family	=	شرکت های خانوادگی	=	متغیر شاخص؛ اگر شرکت نمونه خانوادگی باشد* عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
متغیرهای مستقل و مداخله گر:				
CONTROL	=	سهامدار کنترلی	=	درصد سهام در اختیار سهامداران کنترلی شرکت
INSTIT	=	سهامداران نهادی	=	اگر سهامدار شرکت جز سهامداران نهادی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
PCF	=	ارتباطات سیاسی	=	متغیر شاخص؛ اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (با حداقل مالکیت ده درصد) از شخصیت های وابسته به دولت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
متغیرهای کنترلی:				
TA	=	کل دارایی های شرکت	=	لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت
ROA	=	بازده دارایی های شرکت	=	سود خالص تقسیم بر کل دارایی های شرکت
LEV	=	اهرم مالی شرکت	=	نسبت کل بدهی ها به کل دارایی های شرکت
OPI	=	اظهاریت حسابرسی	=	متغیر شاخص؛ اگر اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
LOSS	=	زیان دهی شرکت	=	متغیر شاخص؛ اگر شرکت زیان خالص گزارش کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
AUD	=	اندازه موسسه حسابرسی	=	متغیر شاخص؛ اگر قرارداد حسابرسی شرکت با سازمان حسابرسی منعقد شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
IND	=	استقلال کمیته حسابرسی	=	درصد مدیران مستقل در کمیته حسابرسی شرکت

* شرکت خانوادگی، شرکتی است که میزان زیادی از سهام آنان در دست اعضای خانواده باشد و این افراد فعالانه در مدیریت شرکت مشارکت داشته باشند. در سال ۲۰۱۰ مرکز تحلیل گران داده های بورس کشور آلمان شاخص خانوادگی داکس پلاس را برای تعریف شرکت های خانوادگی ارائه نمود که طبق آن شرکت به عنوان خانوادگی معرفی می شود که یکی از دو شرط زیر را دارا باشد:
 الف- خانواده مؤسس، حداقل ۲۵ درصد از سهام عادی را در اختیار داشته باشد.
 و یا:

ب- یکی از اعضای خانواده در هیئت مدیره عضویت داشته و حداقل ۵ درصد از سهام عادی را در اختیار داشته باشد.
 کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران در بند ۸ استاندارد حسابداری شماره ۲۰ عنوان می کند در صورتی که سهامداران حداقل ۲۰ درصد از قدرت رأی در واحد سرمایه پذیر را داشته باشند بر شرکت نفوذ قابل ملاحظه دارند. همچنین طبق ماده ۱۰۷ قانون تجارت، کلیه شرکت های سهامی عام ملزم به تشکیل هیئت مدیره ای از صاحبان سهام می باشند که باید تعداد این هیئت حداقل ۵ نفر باشد. لذا منطقاً می توان استنباط نمود، چنانچه سهامداری مالک ۲۰ درصد سهام شرکت باشد به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره مطرح و از این طریق می توان بر عملیات شرکت اعمال نفوذ نماید. بر این اساس، در پژوهش حاضر، با پیروی از پژوهش خان و همکاران (۲۰۱۵)، معیار زیر را به عنوان متغیر شاخص برای اندازه گیری مالکیت خانوادگی استفاده می گردد:

چنانچه حداقل ۲۰ درصد سهام دارای حق رأی شرکت های نمونه به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط یک خانواده نگهداری شود، به متغیر عدد یک و در غیر این صورت به آن عدد صفر اختصاص پیدا می کند.

یافته های پژوهش

شاخص های توصیفی

اولین گام در تحلیل آماری تعیین مشخصات خلاصه شده داده ها و محاسبه شاخص های توصیفی می باشد. هدف از این تحلیل، شناخت روابط درونی متغیرها و نشان دادن رفتار آزمودنی ها می باشد تا مقدمات تحلیل آنها فراهم گردد و خصوصیات توصیفی برای تحلیل بیشتر آشکار گردد. نگاره (۱) آماره های توصیفی را برای متغیرهای مستقل به کار گرفته شده در الگوی پژوهش نشان می دهد. این نگاره بیانگر آماره های توصیفی مربوط به تمامی ۹۰ شرکت نمونه آماری پژوهش در طی دوره ۷ ساله از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۶ می باشد. بخش (الف) در نگاره مذکور آمار توصیفی مربوط به متغیرهای دنباله دار و بخش (ب) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای شاخص را نشان می دهد. همان طوری که در این نگاره مشهود است، میانگین هزینه حسابرسی برابر ۲۰/۵۹۷ می باشد و انحراف معیار آن برابر ۰/۸۸۳ می باشد. میانگین متغیر سهامداران کنترلی برابر ۰/۵۲۱ است که نشان می دهد به طور متوسط ۵۲ درصد از سهام شرکت ها در اختیار سهامداران کنترلی می باشد. همچنین، متغیر مالکیت خانوادگی حاکی از این است که تنها بیست درصد از شرکت های نمونه مالکیت خانوادگی داشته و به ترتیب ۲۶/۷ و ۳۵/۴ درصد از آنها حائز ارتباطات سیاسی و مالکان نهادی بوده اند.

نگاره ۱. آماره های توصیفی

بخش الف) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای دنباله دار					
ردیف	نماد متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
۱	AF	۱۸/۴۵۶	۲۳/۹۲۱	۲۰/۵۹۷	۰/۸۸۳
۲	CONTROL	۰/۱۰۰	۰/۹۹۵	۰/۵۲۱	۰/۲۰۴
۲	TA	۱۰/۱۶۷	۱۹/۱۷۱	۱۳/۸۸۵	۱/۳۶۴
۳	ROA	-۰/۷۸۱	۰/۶۳۶	۰/۱۲۳	۰/۱۶۴
۴	LEV	۰/۰۶۱	۵/۵۹۹	۰/۶۷۳	۰/۴۳۲
۵	IND	۰/۰۰۰	۱	۰/۶۱۸	۰/۱۵۸
بخش ب) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای شاخص					
ردیف	شاخص متغیر	فراوانی صفر	درصد	فراوانی یک	درصد
۱	Family	۵۰۴	۸۰	۱۲۶	۲۰
۳	PCF	۴۶۲	۷۳/۳	۱۶۸	۲۶/۷
۴	INSTIT	۴۰۷	۶۴/۶	۲۲۳	۳۵/۴
۵	OPI	۲۸۵	۴۵/۲	۳۴۵	۵۴/۸
۶	LOSS	۵۳۷	۸۵/۲	۹۳	۱۴/۸
۷	AUD	۴۳۳	۶۸/۷	۱۹۷	۳۱/۳

منبع: یافته های پژوهش

آمار استنباطی: نتایج برآورد الگوی پژوهش و آزمون فرضیه ها

پس از برازش مدل های پژوهش، آثار ثابت و تصادفی در نرم افزار آماری ایویوز، در اولین گام باید در داده های تابلویی مشاهده نماییم که استفاده از مدل تلفیق کل داده ها مناسب است یا آثار ثابت که این امر با استفاده از "آزمون F" صورت می گیرد. فرضیه H_0 آزمون F لیمر بیانگر این است که مدل OLS نسبت به مدل روش پانلی بهتر است. همانگونه که در نگاره (۲) ملاحظه می نمایید در سطح خطای قابل پذیرش ۵ درصد، نتیجه آزمون مذکور در مورد الگوهای پژوهش موید این نکته است که مابین روش OLS و روش پانلی باید از روش پانلی استفاده شود.

نگاره ۲. نتایج آزمون F لیمر برای انتخاب روش مناسب بین OLS و یا پانلی

فرضیه	فرضیه H ₀	فرضیه H ₁	آماره (فیشر)	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	p-مقدار	نتیجه
اول	مدل OLS	روش پانلی	۶/۵۳۰۶	۸۸	۵۳۰	<۰/۰۰۱	روش پانلی
دوم	مدل OLS	روش پانلی	۶/۴۵۸۶	۸۸	۵۲۹	<۰/۰۰۱	روش پانلی
سوم	مدل OLS	روش پانلی	۶/۴۲۸۱	۸۸	۵۲۹	<۰/۰۰۱	روش پانلی
چهارم	مدل OLS	روش پانلی	۶/۵۰۲	۸۸	۵۲۹	<۰/۰۰۱	روش پانلی

منبع: یافته های پژوهش

پس از انجام آزمون F لیمر، نوبت به آزمون هاسمن می رسد. در این آزمون به دنبال انتخاب مدل ارجح از میان مدل های آثار تصادفی و آثار ثابت هستیم و بدین منظور در صورت عدم رد فرضیه H₀ مدل آثار تصادفی انتخاب خواهد شد. همانطوری از نگاره (۳) قابل استنباط است، p-مقدار ناشی از آزمون هاسمن نیز کمتر از ۵ درصد بوده و نشانگر رد فرضیه H₀ یا به عبارت دیگر انتخاب مدل آثار ثابت می باشد.

نگاره ۳. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب روش مناسب میان مدل آثار تصادفی و آثار ثابت

فرضیه ها	فرضیه H ₀	فرضیه H ₁	آماره کای-دو	درجه آزادی (df)	p-مقدار	نتیجه
اول	مدل آثار تصادفی	مدل آثار ثابت	۴۸/۳۴۹۲	۱۱	<۰/۰۰۱	مدل آثار ثابت
دوم	مدل آثار تصادفی	مدل آثار ثابت	۴۳/۸۴۸۶	۱۳	<۰/۰۰۱	مدل آثار ثابت
دوم	مدل آثار تصادفی	مدل آثار ثابت	۴۳/۶۹۷۶	۱۳	<۰/۰۰۱	مدل آثار ثابت
چهارم	مدل آثار تصادفی	مدل آثار ثابت	۴۹/۰۶۲۳	۱۰	<۰/۰۰۱	مدل آثار ثابت

منبع: یافته های پژوهش

در مرحله بعد و پیش از آن که روش پانلی با اثرات ثابت را برازش دهیم، لازم است بررسی کنیم که آیا می توان فاکتورهای زمان و مکان را در این مدل ادغام نمود یا خیر. برای اثبات این مورد از آزمون ضریب لاگرانژ (LM) بروش پاکان استفاده شده که نتایج آن در نگاره (۴) منعکس شده است. همانطوری که در نگاره مذکور مشخص است، p-مقدار تمامی آزمون ها مجدداً کمتر از ۵ درصد بوده و در نتیجه فرضیه H₀ رد شده است. نتایج این آزمون بیانگر عدم امکان ادغام اثرات در مدل ها می باشد.

نگاره ۴. نتایج آزمون بروش پاکان برای بررسی قابلیت ادغام فاکتورهای زمان و مکان در مدل پانلی

فرضیه ها	فرضیه H ₀	فرضیه H ₁	آماره کای-دو	درجه آزادی (df)	p-مقدار	نتیجه
اول	قابلیت ادغام وجود دارد	قابلیت ادغام وجود ندارد	۴۵۲/۸۰۷۸	۷	<۰/۰۰۱	رد فرضیه H ₀
دوم	قابلیت ادغام وجود دارد	قابلیت ادغام وجود ندارد	۴۴۴/۷۵۵۴	۷	<۰/۰۰۱	رد فرضیه H ₀
سوم	قابلیت ادغام وجود دارد	قابلیت ادغام وجود ندارد	۴۴۶/۷۹۸۹	۷	<۰/۰۰۱	رد فرضیه H ₀
چهارم	قابلیت ادغام وجود دارد	قابلیت ادغام وجود ندارد	۴۵۴/۲۲۵۲	۷	<۰/۰۰۱	رد فرضیه H ₀

منبع: یافته های پژوهش

در نهایت، برای بررسی عدم خودهمبستگی میان جملات خطا به عنوان یکی از پذیره های زیربنایی در استفاده از مدل های پانلی از آزمون بروش گادفری استفاده می کنیم. نتایج این آزمون در نگاره (۵) نشان داده شده است. همانطوری که در نگاره مذکور مشخص است، با توجه به اینکه مقدار p-مقدار آزمون مذکور کمتر از خطای قابل پذیرش ۰/۰۵ برای تمامی مدل ها می باشد، لذا فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی سریالی بین خطاهای مدل رد خواهد شد و در نتیجه جملات خطا دارای خودهمبستگی سریالی هستند. وجود خود همبستگی بین خطاهای مدل سبب ایجاد اریبی در تخمین مدل خواهد شد. برای رفع این مشکل و جهت تخمین مناسب تر پارامترهای مدل از روش پانلی تعمیم یافته (PGLM) برای برازش مدل نهایی استفاده می شود.

نگاره ۵. نتایج آزمون بروش گادفری برای بررسی عدم خودهمبستگی میان جملات خطا

فرضیه ها	فرضیه H_0	فرضیه H_1	آماره کای-دو	درجه آزادی (df)	-p مقدار	نتیجه
اول	عدم خودهمبستگی میان خطاهای مدل	خودهمبستگی میان خطاهای مدل	۶۶/۴۰۵۳	۷	$0/001 <$	رد فرضیه H_0
دوم	عدم خودهمبستگی میان خطاهای مدل	همبستگی میان خطاهای مدل	۶۶/۴۱۷۹	۷	$0/001 <$	رد فرضیه H_0
سوم	عدم خودهمبستگی میان خطاهای مدل	همبستگی میان خطاهای مدل	۶۵/۶۸۶۲	۷	$0/001 <$	رد فرضیه H_0
چهارم	عدم خودهمبستگی میان خطاهای مدل	همبستگی میان خطاهای مدل	۶۶/۵۲	۷	$0/001 <$	رد فرضیه H_0

منبع: یافته های پژوهش

نتایج برآورد الگوهای پژوهش

آزمون فرضیه نخست پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده از نگاره (۵) و اثبات وجود خود همبستگی سریالی میان اجزای اخلاص الگوهای این پژوهش، مدل های نهایی به صورت مدل ثابت تعمیم یافته خواهد بود که نتایج برازش مدل نخست پژوهش به شرح نگاره (۶) می باشد.

نگاره ۶. نتایج برآورد الگوی اول پژوهش

متغیر توضیحی	نماد متغیر	ضریب متغیر توضیحی	خطای استاندارد	آماره استودنت	-p مقدار
مالکیت خانوادگی	FAMILY	۰/۱۹۵۶	۰/۱۳۴۲	۱/۴۵۶۷	۰/۱۴۵۸
سهامداران کنترلی	CONTROL	۰/۰۳۹۱	۰/۲۸۶۴	۰/۱۳۶۸	۰/۸۹۱۲
سهامداران نهادی	INSTIT	-۰/۰۲۵۶	۰/۱۴۶۶	-۰/۱۷۵۱	۰/۸۶۱۰
کل دارایی های شرکت	TA	۰/۶۶۲۳	۰/۰۵۳۳	۱۲/۴۰۶۸	$<0/001^{***}$
بازده دارایی های شرکت	ROA	۰/۱۵۱۷	۰/۲۵۴۸	۰/۵۹۵۴	۰/۵۵۱۸
اهرم مالی شرکت	LEV	۰/۲۲۵۷	۰/۰۸۹۷	۲/۵۱۵۹	$0/0121^{**}$
اظهار نظر حسابرس	OPI	۰/۰۰۴۲	۰/۰۵۹۹	۰/۰۷۱۲	۰/۹۴۳۲
زیان دهی شرکت	LOSS	۰/۲۲۰۶	۰/۰۸۸۹	۲/۴۸۱	$0/0134^{**}$
اندازه موسسه حسابرسی	AUD	۰/۴۲۶۴	۰/۱۲۴۴	۰/۴۲۷۱	$0/0006^{***}$
استقلال کمیته حسابرسی	IND	۰/۳۴۱۸	۰/۲۱۵۱	۱/۵۸۹۱	۰/۱۱۲۶

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره (۶)، به دلیل بیشتر بودن -p مقدار متغیر مالکیت خانوادگی از سطح خطای قابل پذیرش ۵ درصد (۰/۱۴۵۸)، میان مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. در نتیجه می توان گفت که فرضیه نخست پژوهش مورد تایید قرار نمی گیرد که این یافته برخلاف نتایج پژوهش های پیشین می باشد (تی و همکاران، ۲۰۱۷؛ تی، ۲۰۱۸). با این حال، متغیرهای دارایی شرکت، اهرم مالی، زیان دهی شرکت و اندازه موسسه حسابرسی در سطح خطای ۵ درصد تاثیر مثبت و معناداری برحق الزحمه حسابرسی دارند. سایر متغیرهای کنترلی نیز ارتباط معناداری با حق الزحمه حسابرسی نشان نمی دهند.

آزمون فرضیه دوم پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل دوم پژوهش به روش اثرات ثابت تعمیم یافته در نگاره (۷) منعکس شده است. این مدل برای آزمون فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تشدید رابطه میان مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی به واسطه وجود سهامداران نهادی در شرکت به کار گرفته شده است.

نگاره ۷. نتایج برآورد الگوی دوم پژوهش

متغیر توضیحی	نماد متغیر	ضریب متغیر توضیحی	خطای استاندارد	آماره استودنت	p-مقدار
مالکیت خانوادگی	FAMILY	۰/۲۷۱۹	۰/۳۹۳۲	۰/۶۹۱۷	۰/۴۸۹۴
سهامداران کنترلی	CONTROL	۰/۰۴۳۱	۰/۲۸۷۳	۰/۱۵۰۳	۰/۸۸۰۵
سهامداران نهادی	INSTIT	۰/۰۵۳۸	۰/۴۱۱۷	۰/۱۳۰۸	۰/۸۹۶۰
کل دارایی های شرکت	TA	۰/۶۶۳۱	۰/۰۵۳۵	۱۲/۳۷۳۳	<۰/۰۰۱***
بازده دارایی های شرکت	ROA	۰/۱۵۰۴	۰/۲۵۵۵۱	۰/۵۸۹۵	۰/۵۵۵۷
اهرم مالی شرکت	LEV	۰/۲۲۶۱	۰/۰۸۹۸	۲/۴۸۳۴	۰/۰۱۳۳**
اظهار نظر حسابرس	OPI	۰/۰۰۴۴	۰/۰۵۹۹	۰/۰۷۴۴	۰/۹۴۰۷
زیان دهی شرکت	LOSS	۰/۲۲۱۱	۰/۸۹۰۶	۲/۴۸۳۴	۰/۰۱۳۳**
اندازه موسسه حسابرسی	AUD	۰/۴۳۰۶	۰/۱۲۶۱	۳/۴۱۲۶	۰/۰۰۰۶***
استقلال کمیته حسابرسی	IND	۰/۳۳۶۰	۰/۲۱۷۱	۱/۵۴۷۸	۰/۱۲۲۶
رابطه متقابل میان مالکیت خانوادگی و سهامداران نهادی	FAMILY*INSTIT	-۰/۰۸۶۴	۰/۴۱۸۱	-۰/۲۰۶۷	۰/۸۳۶۳

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره (۷)، فرضیه دوم پژوهش نیز تایید نمی شود، چرا که ضریب متغیر رابطه متقابل میان مالکیت خانوادگی و سهامداران نهادی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست (۰/۸۳۶۳). این یافته نیز با نتایج یافته های پژوهش های پیشین و انتظار اولیه ما متناقض است (زارع پور و فرهادی اندرابی، ۱۳۹۷؛ آسوادى عبدل وهاب، ۲۰۰۹؛ تی و همکاران، ۲۰۱۷؛ تی، ۲۰۱۸). همچنین از بین متغیر های کنترلی به کار گرفته شده نیز، همانند مدل نخست، صرفاً متغیر های دارایی شرکت، اهرم مالی، زیان دهی شرکت و اندازه موسسه حسابرسی در سطح خطای ۵ درصد تاثیر مثبت و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارند.

آزمون فرضیه سوم پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل سوم پژوهش برای آزمون فرضیه سوم در نگاره (۸) گزارش شده است. مضمون این فرضیه این است که ارتباطات سیاسی موجب تشدید رابطه میان مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی می شود.

نگاره ۸. نتایج برآورد الگوی سوم پژوهش

متغیر توضیحی	نماد متغیر	ضریب متغیر توضیحی	خطای استاندارد	آماره استودنت	p-مقدار
مالکیت خانوادگی	FAMILY	-۰/۰۴۲۹	۰/۲۲۴۹	-۰/۱۹۰۷	۰/۸۴۸۹
سهامداران کنترلی	CONTROL	-۰/۰۰۲۲	۰/۲۸۷۹	-۰/۰۰۷۷	۰/۹۹۳۸
سهامداران نهادی	INSTIT	-۰/۰۰۴۲	۰/۱۴۷۴	-۰/۰۲۸۷	۰/۹۷۷۱
کل دارایی های شرکت	TA	۰/۶۵۹۷	۰/۰۵۳۳	۱۲/۳۵۹۴	<۰/۰۰۱***
بازده دارایی های شرکت	ROA	۰/۱۱۹۲	۰/۲۵۵۸	۰/۴۶۵۹	۰/۶۴۱۴
اهرم مالی شرکت	LEV	۰/۲۳۹۱	۰/۰۹۰۲	۲/۶۵	۰/۰۰۸۲**

۰/۹۶۵۲	۰/۰۴۳۵	۰/۰۵۹۸	۰/۰۰۲۶	OPI	اظهاری نظر حسابرس
۰/۰۱۵۶**	۲/۴۲۵۶	۰/۰۸۸۹	۰/۲۱۵۷	LOSS	زیان دهی شرکت
۰/۰۰۱***	۳/۳۰۹۱	۰/۱۲۴۷	۰/۴۱۲۸	AUD	اندازه موسسه حسابرسی
۰/۰۸۳۹	۱/۷۳۱۳	۰/۲۱۶۳	۰/۳۷۴۶	IND	استقلال کمیته حسابرسی
۰/۱۸۶۹	۱/۳۲۱۳	۰/۲۸۲۹	۰/۳۷۳۸	FAMILY*PCF	رابطه متقابل میان مالکیت خانوادگی و ارتباطات سیاسی

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره (۸) و ضریب متغیر مربوط به رابطه متقابل میان مالکیت خانوادگی و سهامداران نهادی (۰/۳۷۳۸)، فرضیه سوم پژوهش نیز مورد تایید قرار نمی گیرد، چرا که سطح معناداری متغیر مذکور در بازه سطح اطمینان ۹۵ درصدی قرار نمی گیرد (۰/۱۸۶۹). لذا می توان استدلال کرد که بر خلاف نتایج گزارش شده در پژوهش های پیشین (آسوادی عبدل وهاب، ۲۰۰۹؛ تی و همکاران، ۲۰۱۷؛ تی، ۲۰۱۸؛ زارع پور و فرهادی اندرابی، ۱۳۹۷)، ارتباطات سیاسی تاثیر معناداری بر رابطه میان مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی ندارد. نتایج به دست آمده برای متغیرهای کنترلی نیز مشابه دو مدل پیشین می باشد.

آزمون فرضیه چهارم پژوهش

نگاره (۹) نتایج برآورد الگوی چهارم پژوهش را نمایش می دهد. این الگو در پی سنجش فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر تاثیر سهامداران کنترلی بر رابطه میان مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی می باشد.

نگاره ۹. نتایج برآورد الگوی چهارم پژوهش

متغیر توضیحی	نماد متغیر	ضریب متغیر توضیحی	خطای استاندارد	آماره استودنت	p-مقدار
مالکیت خانوادگی	FAMILY	۰/۰۹۴۹	۰/۲۷۴۰	۰/۳۴۶۲	۰/۷۲۹۳
سهامداران کنترلی	CONTROL	-۰/۰۲۴۲	۰/۳۲۳۷	-۰/۰۷۵	۰/۹۴۰۲
سهامداران نهادی	INSTIT	-۰/۲۶۷۴	۰/۱۴۶۸	-۰/۱۸۲۲	۰/۸۵۵۵
کل دارایی های شرکت	TA	۰/۶۶۱۱	۰/۰۵۳۴	۱۲/۳۵۸۷	<۰/۰۰۱***
بازده دارایی های شرکت	ROA	۰/۱۵۴۰	۰/۲۵۵۱	۰/۶۰۳۹	۰/۵۴۶۱
اهرم مالی شرکت	LEV	۰/۲۲۵۵	۰/۰۸۹۷	۲/۵۱۱۳	۰/۰۱۲۳**
اظهاری نظر حسابرس	OPI	۰/۰۰۵۶	۰/۰۶۰۰	۰/۰۹۳۶	۰/۹۲۵۴
زیان دهی شرکت	LOSS	۰/۲۲۰۹	۰/۰۸۹۰	۲/۴۸۲۴	۰/۰۱۳۳**
اندازه موسسه حسابرسی	AUD	۰/۴۲۲۸	۰/۱۲۴۸	۳/۳۸۸	۰/۰۰۰۷***
استقلال کمیته حسابرسی	IND	۰/۳۴۹۵	۰/۲۱۶۰	۱/۶۱۷۹	۰/۱۰۶۲
رابطه متقابل میان مالکیت خانوادگی و سهامداران کنترلی	FAMILY*CONTROL	۰/۲۰۶۳	۰/۴۸۹۵	۰/۴۲۱۵	۰/۶۷۳۵

منبع: یافته های پژوهش

همانطور که در نگاره فوق ملاحظه می شود، با توجه به ضریب (۰/۲۰۶۳) و سطح معناداری (۰/۶۷۳۵) متغیر مربوط به رابطه متقابل میان مالکیت خانوادگی و سهامداران کنترلی (FAMILY*CONTROL)، فرضیه چهارم پژوهش نیز تایید نمی شود. به عبارت دیگر، با وجود سهامداران عمده در شرکت، رابطه میان مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی تشدید نمی شود. این یافته نیز بر خلاف پژوهش های پیشین می باشد (آسوادی عبدل وهاب، ۲۰۰۹؛ تی و همکاران، ۲۰۱۷؛ تی، ۲۰۱۸؛ زارع پور و فرهادی اندرابی، ۱۳۹۷).

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با کسب انگیزه از این واقعیت که شرکت های خانوادگی ۸۵ درصد از کل شرکت های دنیا را تشکیل می دهند (گوش و تانگ، ۲۰۱۵) و نیز با اتکا به یافته های پژوهش های اخیر در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به بررسی رابطه میان شرکت های خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی در ایران پرداخته و تاثیر ارتباطات سیاسی و سهامداران نهادی و عمده را نیز بر این رابطه مورد ارزیابی قرار می دهد. نتایج بدست آمده در این پژوهش حاکی از آن است که بر خلاف پژوهش های انجام شده پیشین (زارع پور و فرهادی اندرابی، ۱۳۹۷؛ آسوادى عبدل وهاب، ۲۰۰۹؛ تی و همکاران، ۲۰۱۷؛ تی، ۲۰۱۸)، میان مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی هیچ گونه رابطه معناداری وجود نداشته و این رابطه توسط ارتباطات سیاسی و یا سهامداران نهادی نیز تحت تاثیر قرار نمی گیرد. با توجه به نتایج این پژوهش می توانیم استدلال کنیم که هزینه های نمایندگی در شرکتهای خانوادگی و غیرخانوادگی ایران یکسان است. علاوه بر این، در ایران، متأسفانه به دلیل کیفیت پایین اطلاعات افشا شده در مورد ماهیت و مالکیت شرکتهای، تشخیص و تفکیک درست شرکتهای خانوادگی مشکل می باشد این می تواند بر نتایج اثر بگذارد. همچنین، این مطالعه نشان می دهد که در ایران حسابرسان ساختار مالکیت خانوادگی و ارتباطات سیاسی در ارزیابی ریسک های حسابرسی را در نظر نمی گیرند، در نتیجه نیازمند تلاش های حسابرسی بیشتری برای تایید اظهارنامه های مالی نیستند. بنابراین، هزینه حسابرسی را با اشاره به این که تنظیمات نهادی منحصر به فرد مانند ساختار مالکیت و ارتباطات سیاسی می تواند بر قضاوت و ارزیابی های حسابرسان اثرگذار باشد، در بر نمی گیرد.

نتایج این پژوهش می تواند اولاً موجب گسترش مبانی نظری پژوهش های گذشته در ارتباط با حق الزحمه حسابرسی به ویژه در شرکت های خانوادگی در کشورهای در حال توسعه شود، ثانیاً نتایج پژوهش می تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های جدید در حوزه مالکیت خانوادگی پیشنهاد نماید، ثالثاً سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر گروه های ذینفع را در جریان میزان حق الزحمه حسابرسی در شرکتهایی که مالکیت خانوادگی دارند، قرار می دهد. یکی از معضلات و محدودیت های عمده این پژوهش به جمع آوری داده های مورد نیاز مربوط می شود. به منظور گردآوری اطلاعات لازم، از منابع مختلفی نظیر نرم افزارهای اطلاعاتی و سایت سازمان اوراق بهادار تهران استفاده شده است. در برخی موارد اطلاعات جمع آوری شده از نرم افزارهای مختلف با یکدیگر تناقض داشته و یا اصولاً دارای نقص های اطلاعاتی بوده اند و باعث به وجود آمدن محدودیت هایی در این پژوهش گردیده است.

منابع و مراجع

- [۱] بادآور نهندی، یونس، تقی زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت، فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، مقاله 1، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۱۸۱-۱۹۸.
- [۲] تامرادی، علی، رستمی نیا، رضا و سرکمریان، سعیده. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۲(۲)، ۱۶-۱.
- [۳] خدادادی، ولی؛ قربانی، رامین. خوانساری، نیکو. (۱۳۹۲)؛ بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی ۱۱(۲۱). ۵۷-۷۲.
- [۴] رحمانی، ایرج. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و نگهداشت وجه نقد در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات مدیریت و حسابداری، ۲(۱)، ۳۹-۵۳.
- [۵] رهنمای رودپشتی، فریدون و محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۱(۳۸)، ۱۲۹-۱۴۴.
- [۶] زارع پور، سینا و فرهادی اندرابی، سویل. (۱۳۹۷). تاثیر ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۱(۳)، ۲۸-۴۲.
- [۷] علوی طبری، سیدحسین؛ رجبی، روح الله. شهبازی، منصوره. (۱۳۹۰). رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتهای. مجله دانش حسابداری، ۲(۵)، ۷۵-۱۰۱.
- [۸] مهدی فرد، محمدرضا، رویایی، رضاعلی، (۱۳۹۴). مدیریت سیاسی و قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، مقاله ۲، ش ۲۵، صص ۱۹-۲۸.
- [۹] نمازی، محمد و محمدی، محمد. (۱۳۸۹). بررسی کیفیت سود و بازده شرکتهای خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفتهای حسابداری، شماره دوم، ۱۵۹-۱.
- [10] Abdolmohammadi, M. & Kvall, E. (2010), Earnings Management Priorities of Private Family Firms. American Accounting Association Annual Meeting, 31 July 2010, San Francisco, CA. Accounting Research, (6), 21-34.
- [11] Anderson, R. C., & Reeb, D. M. (2003). Founding-family ownership and firm performance: evidence from the S&P 500. The Journal of Finance, 58(3), 1301-1328.
- [12] Asthana, S., & Boone, I. (2012), Abnormal audit fees and audit quality, auditing, A Journal practice & theory, 31, 1-22.
- [13] Aswadi Abdul Wahab, E., Mat Zain, M., James, K., & Haron, H. (2009). Institutional investors, political connection and audit quality in Malaysia. Accounting Research Journal, 22(2), 167-195.
- [14] Ben Ali, C. & Lesage, C. (2012). Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France, China Journal of Accounting Research, 6 (1): 21-34.
- [15] Boubakri, N., Guedhami, O., Mishra, D., & Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. Journal of Corporate Finance, 18(3), 541-559.
- [16] Chiraz, Ben ali. Cedric, Lesage. (2013), Auditing pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France, china journal of accounting Research, (6), 21-34.
- [17] Chwee Ming Tee. (2018). Family firms, political connections and audit fees: evidence from Malaysian firms. Managerial Auditing Journal. <https://doi.org/10.1108/MAJ-06-2017-1585>.
- [18] Darmadi, S. (2016), Ownership concentration, family control and auditor choice: Evidence from an emerging market, Asian Review of Accounting, 24(1).
- [19] Fama, F. & Jensen C.M. (1983). Corporations and Private Property: A Conference Sponsored by the Hoover Institution. Journal of Law and Economics, 26 (2): 327-349.
- [20] Fan, J.P.H. and Wong, T.J. (2005), "Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia", Journal of Accounting Research, Vol. 43 No. 1, pp. 35-72.

- [21] Fan, Ying, Yue-Jun Zhang, Hsien- Tang Tsai, and Yi- Ming Wei., (2008) “Estimating Value at Risk of Crude Oil Price and its Spillover Effect Using the GED-GARCH Approach”. *Energy Economics*, No 30
- [22] Fisman, R (2001). Estimating the value of political connections. *The American Economic Review*. 91, 1095-1102.
- [23] Ghosh, A. A., & Tang, C. Y. (2015). Assessing financial reporting quality of family firms: The auditors' perspective. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 95-116.
- [24] Gist, W. (1992). “Explaining variability in external audit fees”. *Accounting & Business Research*, Vol. 23, No. 89, pp. 74-79.
- [25] Habib, A., Muhammadi, A. H., & Jiang, H. (2017). Political connections, related party transactions, and auditor choice: Evidence from Indonesia. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13(1), 1-19.
- [26] Ho, J. L., & Kang, F. (2013). Auditor choice and audit fees in family firms: Evidence from the S&P 1500. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(4), 71-93.
- [27] Houston, J. F., Jiang, L., Lin, C., & Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. *Journal of Accounting Research*, 52(1), 193-243.
- [28] Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the firm: managerial Behavior, Agency costs and ownership Structure, *Journal of financial Economics*, 3(4).
- [29] Johl S. & Khan A. (2011), *Audit Pricing in Private Firms: the Effects Of Family and Foreign Control*, School of Accounting Economics and Finance, Deakin University, Victoria, Australia, On line, Available at: 4TUhttp:// www.afaanz.org U4T.
- [30] Johnson, S., & Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: evidence from Malaysia. *Journal of financial economics*, 67(2), 351-382.
- [31] Kang, F. (2012), *Industry Specialist Auditors and Audit Fees in Family Firms: Evidence from the S&P 1500*, University of California, and Irvine.
- [32] Khan, A., Muttakin, M. B., & Siddiqui, J. (2015). Audit fees, auditor choice and stakeholder influence: Evidence from a family-firm dominated economy. *The British Accounting Review*, 47(3), 304-320.
- [33] Lee, W. & Wang, L. (2016). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 1, 1-34.
- [34] Lin, K. J., Karim, E. K. & Carter, C. (2015). why does China's stock market have highly synchronous stock price movements? An information supply perspective *Advances in Accounting*, 31 (1), 68 -7.
- [35] Lin, Z. J. & Liu, M. (2009), the impact of corporate governance on auditor choice: evidence from China, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 18 (1), 44-59.
- [36] Liu, L., & Subramaniam, N. (2010), Government Ownership and audit pricing: Evidence from china. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32(2), 161-175.
- [37] Maaloul, A., Chakroun, R., Yahyaoui, S. (2018). The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 8 (2), 185-204.
- [38] Mitra, S., Hossain, M., & Deis, D. R. (2007). The empirical relationship between ownership characteristics and audit fees. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 28(3), 257-285.
- [39] Reed, R., Donoher, W. J., & Barnes, S. F. (2004), Predicting misleading disclosures: the effects of control, pressure, and compensation, *Journal of Managerial Issues*, 16 (3), 322-336.
- [40] Niskanen, M., Karjalainen, J., & Niskanen, J. (2010), the role of auditing in small, private family firms: is it about quality and credibility? *Family Business Review*, 23(3), 230-245.
- [41] Simunic, D.A. (1980). The pricing of audit services: theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, 18(1), 161-190.

- [42] Tee, C. M. (2018). Family firms, political connections and audit fees: evidence from Malaysian firms. *Managerial Auditing Journal*, 33(6/7), 613-632.
- [43] Tee, C. M., Gul, F. A., Foo, Y. B., & Teh, C. G. (2017). Institutional monitoring, political connections and audit fees: evidence from Malaysian firms. *International Journal of Auditing*, 21(2), 164-176.
- [44] Wang, D. (2006), Founding Family Ownership and Earning Quality. *Journal of Accounting Research*, 44, 619-656.
- [45] Zeff, S. (2003). "How the U.S. accountancy profession got where it is today: part II". *Accounting Horizons*, Vol. 17, No. 4, pp. 267-286.